



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۷/۱۱



داکتر عبدالواحد حیدری

خاطرات گذشته های پربار (قسمت سوم)



خاطرات داکتر عبدالواسع بشریار رئیس شهرسازی و مسکن و مشاور رئیس جمهور در ملاقات ها با محمد داود خان رئیس جمهور ۶ - بازنگری پلان شهری فیض آباد حسب هدایت داود خان رئیس جمهور شاغلی غوث الدین فایق وزیر فواید عامه از سرک فیض آباد الی بهارک دیدن باید مینمود و من هم رئیس شهرسازی و مسکن وزیر صاحب را درین سفر همراهی کردم تا در مورد بازنگری ماستر پلان شهر فیض آباد حسب هدایت رئیس جمهور نیز اجراءات صورت گیرد قبلاً تقاضای های مکرر از جانب شاروال فیض آباد

جهت احداث ساحه انکشافی و طرح پلان تفصیلی مواصلت نموده بود

وزیر فواید عامه و رئیس شهرسازی و مسکن از جانب والی بدخشان و شاروال فیض آباد پذیرایی عالی شدیم و بعد از بازدید شهر زیبای فیض آباد در روز اول والی صاحب مارا جهت بازدید شهر بهارک همراهی کرد در مسیر راه ما از آبشار یخ چهره که چقدر عالی بود دیدن کردیم و بعداً جانب بهارک در کنار دریای خروشان کوچک روان شدیم این مسیر راه آنقدر زیبا و طبیعت بدخشان قشنگ بود که در حرف ها نمی گنجد

وضع سرک خوب بود و ما از جانب شاروال بهارک استقبال خوب شدیم چقدر دلم میخواست که تا واخان یا بام دنیا سفر کنیم ولی متأسفانه وقت نداشتیم ما باید از چند ولسوالی دیگر نیز دیدن میکردیم که به آینده موگول گردید

در بازگشت از میدان هوایی فیض آباد نیز دیدن کردیم که قابل باز سازی بود و در مجموع از سفر خویش چنین نتیجه گرفتیم که در ولایت بدخشان پیشرفت زیاد صورت نگرفته است که باید نماینده های مردم با دولت یکجا در بهبود کارها مساعی لازم به خرج دهند ولایت بدخشان یکی از ولایات زیبای افغانستان با مردم با فرهنگ باستانی است.

۷ - سفر در تهران و باز سازی سایر سفارتخانه در خارج کشور و بهترسازی سفارت خانه های افغانی مقیم خارج کشور :

روزی از وزارت امور خارجه تلیفون آمد و مدیر عمومی اداری (معین اداری) آن وزارت بعد از سلام پرسید آقای بشریار پاسپورت تان تیار است گفتیم: چه خبر است وی گفت شما فردا ساعت ده بجه به میدان هوایی بروید حسب دستور رئیس جمهور به معینیت زلمی غازی سفیر افغانی به تهران بروید

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

وسفیر صاحب در طیاره موضوع سفر شما را به تهران توضیح میدهد. من از هر روز وقت را به خانه رفتم و خانم من تعجب کرد که چطور امروز کار را رها کرده به خانه آمده ام گفتم خانم بکس من تیار شود که فردا برای چند روز به تهران میروم. فردا به ساعت ده بجه به میدان هوایی رفتم و با سفیر صاحب داخل طیاره شده و بعد از چند ساعت پرواز مع الخیر به تهران رسیدیم.

دولت افغانستان در کنار جاده پهلوی در یک ناحیه خیلی عالی شهر تهران یک قطعه زمین داشت که سفارت آنرا به فروش رسانیده بود و می خواستند به کمک تخنیک و تخصصی من یک سفارتخانه جدید به شمول خانه سفیر و اعضای سفارت خریداری نمایند.

در این جا قابل تذکر است که من در رأس هیأت افغانی در کنفرانس جهانی مسکن در شهر وانکوور کانادا اشتراک نموده بودم و در آنجا با هیأت های سایر کشورها ارتباط قایم کردم که از جمله آقای منوچهر وحیدی معین شهرسازی و مسکن از من دعوت کرد تا در راه بازگشت به افغانستان چند روزی مهمان شان در تهران باشم و از پروژه های شان دیدم من مدت پنج روز در تهران مهمان بودم و بر علاوه اقامتم در هتل عالی انترکانیتل تهران یک مهماندار و یک موتر در اختیار من بود. در این سفر چندین پروژه مرکز مواد ساختمانی، شهر جدید کرج و ساحه سفارتخانه ها را دیدن نمودم و در اخیر وزیر شهر سازی و مسکن از من دعوت نمود که طیاره دولتی شان آماده است تا من باید از شهر اصفهان نیز دیدن کنم ولی با کمال تأسف و بازگشت بوطن از این سفر معذرت خواستم و برای آینده موکول گردید. با استفاده از این آشنایی ها و ارتباط حسنه بین ایران و افغانستان من توانستم تا در سفر رسمی دوم خویش جهت اخذ معلومات بیشتر راجع به سفارت جدید افغانستان استفاده های مفیدی را مسئولین و دوستان ایرانی نمایم.

همان کارمند ایرانی که مهمان دار من بود اظهار داشت که زمین سفارت به وسیله یک دلال یهود ایرانی خیلی ارزان به فروش رسیده است قرار اظهار او زمین سفارت افغانی عوض دومیلیارد ریال به پنجصد میلیون ریال فروش شده بود. چون این کار قبلاً صورت گرفته بود و من اثباتی در مورد قیمت فروش نداشتم و جزء وظیفه سفر من نبود نباءً من این موضوع را درج راپور خود نکردم و شاید روزی واقعیت توسط کسی دیگر که سند اثبات داشته باشد افشا گردد. سفرم در تهران و به ادامه آن بازدید از تعمیر جدید قونسلگری در شهر مشهد به خوبی به پایان رسید و من دوباره به کابل عودت نموده و راپور خود را نخست به رئیس جمهور و بعداً به مجلس وزراء ارائه نمودم که در نتیجه چندی بعد فیصله گردید تا هیأتی به تحت ریاست معین اداری وزارت خارجه به شمول اینجانب دوباره به تهران رفته و در خریداری جایداد سفارت اجراءات عملی صورت گیرد. آقای عبدالله ملکیار سفیر جدید از هیأت پذیرایی نموده و ما یک اقامتگاه برای سفیر و یک تعمیر چهار طبقه برای دفتر سفارت و رهایش اعضای سفارت تشخیص نموده و تحت راپوری به مجلس وزراء بار دیگر جهت فیصله نهایی رفتیم.

به ادامه این سفر من باید حسب هدایت داود خان رئیس جمهور از سفارت افغانی در اسلام آباد و بعداً از سفارت افغانی در پاریس و سایر سفارت ها نیز دیدن می نمودم تا در بهتر سازی و ترمیم سفارت خانه هم راپوری تهیه دارم ولی نظر به تغییر اوضاع سیاسی این پروژه ها به گودال بی غوری کمونیست ها سپرده شد.

۸ - طرح لیلیه دختران در ساحه پوهنتون کابل توسط حامی نهضت زنان در افغانستان.
ماستر پلان پوهنتون کابل و تعیین لیلیه دختران:

روز دیگر تبلیغون از ارگ ریاست جمهوری آمد که آقای بشریار گفتم بلی تبلیغونی گفت گوشه خدمت تان باشد که رئیس صاحب جمهور با شما حرف میزند. این اولین بار بود که رئیس جمهور با من مستقیماً تبلیغونی حرف میزد و خیلی هیجانی شده بودم و در دلم گفتم که خدا کند خیریت باشد همینکه گفتم بلی بفرمائید. رهبر فرمودند (آقای بشریار همین حالا وزیر تحصیلات عالی پیش روی من نشسته و تو فردا به دفترش می روی و با وی یکجا در ساحه پوهنتون یک جای مناسب جهت

اعمار لیلیه برای دختران ما که از ولایات جهت تحصیل به کابل می آیند جای رهایش ندارند و باید دختران مثل بچه ها حقوق مساوی برای تحصیل داشته باشند و بعد از تعیین موقعیت نقشه را جهت ملاحظه و منظوری نزد من بیاورید). من از شنیدن حرف و هدایت رئیس جمهور خرسند شدم که چقدر به حال طبقه اناث و خصوصاً محصلین جوان و دختران توجه دارند. فردا ساعت ۹ بجه من به دفتر پوهاند محبی وزیر تحصیلات عالی رفتم و چند لحظه بعد هر دوی ما از ساحه پوهنتون دیدن نموده و ساحه که اکنون در آن لیلیه دختران ساخته شده است من و وزیر صاحب محبی آن را انتخاب کردیم و من وعده دادم که در پلان عمومی پوهنتون تعدیل وارد نموده و جای لیلیه دختران را نیز مشخص می سازیم. چند روز بعد نقشه ماسترپلان تعدیل شده پوهنتون را با موقعیت لیلیه دختران به وزیر تحصیلات عالی بردم که از من خواهش کرد که نقشه را من به نزد رهبر بیرم ولی من قبول نکردم و زیر صاحب را قناعت دادم که این کار اوست و اگر به من ضرورت شد من در خدمت شان هستم.

طرح ماستر پلان پوهنتون شهر جلال آباد:

درین جا قابل یاد آوری است که چند سال بعد در یک کانکور داخلی وزارت طرح و پیشنهاد من در مورد ماستر پلان پوهنتون جلال آباد حایز درجه اول گردید و نقشه آن به وزارت تحصیلات عالی و شاروالی جلال آباد جهت تطبیق ارسال گردید در آن زمان پوهنتون جلال آباد دارای پنج فاکولته یا دانشکده بود که عبارت از طب ، انجنیری ، وترنری ، ادبیات یا حقوق و ساینس بود.

۹ - طرح استیشن های خط آهن در کابل و کندهار.

پروژه خط آهن:

خط آهن برای اولین بار توسط امیر امان الله خان به طول چند کیلومتر در ناحیه دارالامان شهر کابل ساخته شده بود که در آن زمان یک قدم نیک بود. اما پروژه اساسی خط آهن به طول حدود دو هزار و پنجصد کیلومتر از سرحد اسلام قلعه هرات و از سرحدات زرنج و سپین بولدک تا کابل یک بنای بزرگ مواصلاتی بود که توسط محمد داؤد خان رئیس جمهور زیر دست گرفته شد. این پروژه بعد از داوطلبی بین المللی توسط کمپنی سوپری ریل فرانسوی یکی از شعبات خط آهن ملی فرانسه برنده گردید و قرارداد مطالعات آن بین دولت افغانستان و کمپنی فرانسوی به امضاء رسید. دفتر خط آهن در چوکات ریاست سرکسازی توسط غوث الدین فایق وزیر فواید عامه بوجود آمد و مسایل تعمیراتی این پروژه از نگاه هم آهنگی با شهرها به ریاست شهرسازی و مسکن سپرده شد. یک هیأت تحت ریاست معین وزارت فواید عامه و نماینده ریاست سرکها و ریاست کارتوگرافی و اینجانب رئیس شهرسازی و مسکن تعیین گردید تا با سرانجنیر پروژه آقای بوته در یک هیلیکوپتر وزارت دفاع ملی ما بالای مسیر خط آهن پرواز نموده و مشاهدات خویش را تحت راپوری تهیه دهیم. ما از شهر کابل پرواز نموده و هیلیکوپتر مسیر خط را از شهر کابل - پل علم - غزنی قلات و شهر کندهار به ارتفاع خیلی کم از سطح زمین تعقیب می کرد و ما شب را در کندهار توقف نمودیم. بزرگترین استیشن خط آهن که شامل استیشن تجارتي و مسافر بری بود در شهر کندهار در تقاطع دو خط بزرگ قرار می گرفت که در پلان در نظر گرفته شده بود. فردا هیلیکوپتر بسوی دشت های وسیع سیستان تقریباً در مسیر دریای هلمند از بالای شهر لشکرگاه و قلعه بست پرواز نموده تا ما چاشت در حوالی دیشو نزدیک کوه های خان نشین که سرحد افغانستان و پاکستان را تشکیل میداد در کنار دریا توقف نمودیم و نان چاشت را با ساندویچ ها صرف کردیم که این خاطره در همچو نقطه دوردست وطن فاقد سرک و مواصلات در کنار دریای هلمند فراموش ناشدنی است. هیلیکوپتر نظر به موجودیت ریگ میده که در داخل توربین میرفت به خیلی مشکل به مهارت پیلوت قهرمان افغانی دوباره پرواز کرد و ما را دوباره به شهر کندهار رسانید. فردا سفر دوام نموده و پرواز بسوی شهر فراه و در فراز کوه های سرحدی بین ایران و افغانستان، ما به شهر هرات رسیدیم و پرواز تا سرحد اسلام قلعه نیز دوام نموده و دوباره به شهر باستانی هرات رسیده و شب را گذشتانیدیم. فردا صبح

از هرات جانب کندهار از بالای دشت بزرگ بکوا پرواز نموده و از بالای کندهار تیر شده و بالاخره بعد از چهار روز سفر و پرواز حدود پنج هزار کیلو متر را طی نموده و از بالای مسیر خط آهن و نواحی استیشن های مسافربری و تجارتي مع الخیر به کابل عودت نمودیم.

این نوع سفر در زندگی یک انسان چنان خارق العاده و بی نظیر است که خاطره آن تا دم مرگ فراموش نمی شود و خصوصاً که این سفر جهت آبادی وطن و ارتباط دادن مردم را بین خودشان در اکثر ولایات کشور و هم چنان به سایر کشورها تا اروپا باشد ارزش بی پایان داشته می باشد.

چندی بعد پروژه خط آهن حاوی اسناد و نقشه در چهار بکس آهنی به وزارت فواید عامه رسید و به معرض مطالعه تمام شعبات قرار گرفت تا دولت افغانستان موافقه نهایی خود را به این پروژه عام المنفعه و بی سابقه به کمپنی سوفری ریل دهد تا اسناد داوطلبی ساختمانی آن تهیه گردد که مدت ساختمان آن چهار سال را در بر می گرفت و پول ساختمان آن در حدود یک میلیارد یا یک بیلیون دالر تخمین شده بود تا توسط دولت افغانستان از طریق قرضه یا کمک های بین المللی بدست آید. در این جا قابل تذکر است محمد رضا پهلوی شاه ایران و ملک سعود پادشاه عربستان پول تمویل این پروژه بزرگ افغانستان را وعده کمک به محمد داؤد خان داده بودند که اگر خلق و پرچم و اتحاد شوروی در افغانستان سر قدرت نمی آمدند اکنون در کشور ما دارای خط آهن بوده و منابع طبیعی آهن حاجی گک و مس عینک لوگر به ارتباط این خط آهن استخراج گردیده و توسط همین خط آهن از طریق بنادر اسلام قلعه و طیبات به مشهد و بالاخره تا اروپا و از طریق دیشو و زرنج و همچنان تا بندر عباس ایران به تمام دنیا مسافرین افغانی و مال التجاره آن انتقال یافته و ما از زیر یوغ پاکستان که همیشه به افغان ها در بندر کراچی و سرحدات سپین بولدک و تورخم موانع ایجاد کرده اند و می کنند ما رهایی یافته و افغانستان که محاط به خشکه است بالاخره توسط این خط آهن به همه دنیا وصل می گردید ولی با کمال تأسف اتحاد شوروی و حکومت کمونیستی و وابسته خلق و پرچم مانع ساختمان این پروژه عام المنفعه برای افغان ها گردیدند که نام شان در تاریخ به رنگ سیاه ننگین نوشته شود.

ناگفته نماند که در سال ۲۰۰۲ هنگامیکه من به حیث مشاور در دولت افغانستان ایفای وظیفه می نمودم اهمیت پروژه خط آهن را به وزیر فواید عامه حکومت موقت حامد کرزی توضیح کردم که علاقمندی گرفت و به شعبات خویش امر داد تا پروژه را دوباره رویدست بگیرند ولی بد بختانه اسناد پروژه از بین رفته بود بناءً وزیر متذکره به من وظیفه داد تا یک کاپی پروژه را دوباره از کمپنی فرانسوی از طریق سفارت فرانسه در کابل و سفارت افغانی در پاریس بدست آورم. من سفری به پاریس نمودم و به مشکلات زیاد بالاخره کاپی پروژه خط آهن را بدست آوردم که از طریق سفارت فرانسه کاپی آن به من در کابل داده شد و من آنرا شخصاً به دست وزیر فواید عامه تقدیم کردم. ولی باز بد بختانه که سال ها گذشت کوچکترین اقدامی در احیای مجدد پروژه خط آهن صورت نگرفت. طوریکه در گذشته ها این پروژه خط آهن روسی نبود اتحاد شوروی ممانعت ایجاد کرد و حالا چون پروژه امریکایی نیست دولت حامد کرزی به آن توجه ندارد و سالها در انتظار باید بود تا باز یک زمامدار وطن دوست مثل محمد داؤد خان یا داود ثانی به میان آید تا در فکر رفاه مردم و پیشرفت افغانستان گردد و در خدمت منافع یکی از ابرقدرتها نباشد.

تعیین موقعیت استیشن خط آهن در شهر کابل

یک مثال برجسته در امور ساختمانی کشور در این جا تذکر می رود که همچو مثال ها در سایر وزارتخانه های دولت هم وجود داشت که تا چه اندازه روس مشرب ها از طرفداران اصلی روس ها یعنی خلق و پرچم هم جلوتر میرفتند و بد تر هم بودند

ریاست شهرسازی و مسکن بنا بر وظیفه اش موقعیت تمام استیشن های خط آهن را بروی نقشه های شهری و منطقوی تثبیت نموده و در سه کتگوری تقسیم بندی کرد:

استیشن های بزرگ در شهر های هرات، کندهار و کابل

استیشن های متوسط در شهرهای فراه، لشکرگاه، قلات، مقر، غزنی و پل علم

استیشن های کوچک برای بقیه جا های توقف واگون های خط آهن تعیین موقعیت استیشن ها در همه شهر ها بدون مشکلات صورت گرفت ولی در تعیین موقعیت استیشن خط آهن در شهر کابل با متخصصین شوروی شاروالی کابل به مشکلات روبرو شدیم و نظریه ریاست شهرسازی و مسکن و متخصصین روسی صد در صد در تضاد قرار گرفت. روس ها موقعیت استیشن را خارج شهر در منطقه تره خیل در شرق شهر در نظر گرفته و دلیل می گفتند که استیشن سروصدا و آلودگی را با می آورد و آنها حتماً از پیشرفت امروزی در جریان نبودند. ولی آنها یک مثال هم نیاوردند که استیشن خط آهن درکشور شوروی ویا در سایر شهر های جهان در خارج شهر باشد و آنها نظریاتی را که حتی در کشور خود تطبیق نکرده بودند می خواستند در کشور آزاد افغانستان به معرض اجرا قرار دهند. ریاست شهرسازی و مسکن با موافقه سر انجنیر پروژه آقای بوته و با در نظر داشت موقعیت استیشن خط آهن در تمام شهر های دنیا جهت سهولت مردم خصوصاً بی بضاعت و انکشاف تجارت و خلق نمودن کار برای شهریان کابل در مرکز شهر پیشنهاد نموده بود. و مثال برجسته آن استیشن جدید خط آهن در شهر روم است که در مرکز شهر موقعیت داشته و حتی استیشن ماسکو هم در مرکز شهر موقعیت دارد.

این موضوع را شاروال کابل در جلسه کمیسیون تخنیکی شهر کابل که در آن اکثر رؤسای تخنیکی وزارتخانه ها عضو بودند جهت ارزیابی و تصمیم نهایی گذاشت. بعد از جروبحث طولانی یک عده رؤسای روس مشرب در سرکردگی مهندس عبدالله برشنا بدون در نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی شهریان کابل و با یک مخالفت بی اساس نظریه خویش را جهت پشتیبانی از متخصصین روسی ابراز داشته و در نقشه به موقعیت استیشن خط آهن در خارج شهر امضاء نمودند. رئیس شهرسازی و مسکن در اقلیت قرار گرفت و در نقشه جهت رفع مسئولیت چنین نوشت: "من رئیس شهرسازی و مسکن مخالف موقعیت استیشن خط آهن در خارج شهر کابل بوده و در اقلیت امضاء نمودم". شاروال کابل خیلی خرسند گردید که اکثریت رؤسا پروژه روس ها را امضاء نمودند. این اولین شکست من در مقابل روس ها بود که به همکاری روس مشرب ها به وقوع پیوست. روس هایک محاربه را بردند ولی هنوز جنگ را برنده نشده بودند. وقتیکه نقشه ها به مجلس وزراء پیش گردید. منشی مجلس متوجه شد که رئیس شهرسازی و مسکن مخالفت خود را ابراز داشته است. وزراء فهمیدند که یک حقیقت نهفته است و به وزیر پلان هدایت داده شد تا موقعیت استیشن خط آهن شهر کابل در دو وریانت مرکز و خارج شهر از نگاه اقتصادی افغانستان و شهریان کابل تحت مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و نتیجه در مجلس آینده وزراء آورده شود. به اساس این هدایت مجلسی در وزارت پلان تحت ریاست آقای فروغ معین آن وزارت به اشتراک همه اعضای کمیسیون تخنیکی شاروالی کابل انعقاد گردید. همه نظریات خود را در مورد هر دو وریانت ارائه نموده و در مجلس معین وزارت پلان اظهار داشت که وریانت مرکز شهر به اقتصاد دولت و مردم مفید بنظر می خورد و این مربوط به مجلس وزراء است که کدام وریانت را تصویب می کند.

روسها و روس مشرب ها خیل ناراحت به نظر می خوردند و همه منتظر فیصله مجلس وزراء بودند. در روز مجلس وزراء مرا در ارگ جمهوری خواستند. آقای علی احمد خرم وزیر پلان در اتاق پهلوی جلسه از من خلاصه هر دو وریانت را تقاضا نموده و خیلی افسوس کرد که چرا رؤسای ما منافع دولت افغانستان را در نظر نمی گیرند و خارجی پرستی دارند. من پرسیدم وزیر صاحب چه خبر است وی گفت: دیشب ساعت ده بجه شب دروازه حویلی ما زده شد و گفتند مهمان آمده است. به دربان گفتم مهمان داخل خانه بیاید. دیدم که آقای عصمت سراج رئیس بانک رهنی و تعمیراتی است. گفتم رئیس صاحب در این ناوقت شب خیرت باشد. وی گفت: (من به نمایندگی سایر رؤسای سابقه دار آمده ام که ما موقعیت استیشن خط آهن وریانت خارج شهر را انتخاب نموده ایم و از شما خواهش می کنیم که نظر ما سابقه دار ها را عوض نظر یک جوان مثل آقای بشریار فیصله کنید در غیر آن ما سابقه دار ها بی حیثیت می شویم.) وزیر پلان با این قصه خیلی متأثر بود که چرا این رئیس واسطه می شود تا ما خلاف منافع مردم فیصله نماییم. آقای فروغ نظریه و راپور وزارت پلان را ترتیب داده

و ما مطابق آن به منفعت کشور فیصه وزراء را صادر می نمایم. من از ارگ دوبار به ریاست مراجعه کردم و شام روز وزیر فواید عامه مرا خواست و تبریک گفت که مجلس وزراء وریانت ریاست شهرسازی و مسکن را یعنی استیشن خط آهن در مرکز شهر را فیصله نمود. با این تصویب محمد داؤد خان ثابت ساخت که منافع افغانستان را بالا تر از منافع شوروی میداند و جایی که کار توسط افغانهای جوان، زحمتکش و لایق اجرا شده بتواند ضرورت به تأیید کورکورانه نظریات خارجی ها بالخاصه روس ها نیست. این تصویب مجلس وزراء واضح ساخت که شهرسازان، مهندسین و انجیران افغانی در مقابل متخصصین شوروی و روس مشرب ها موفقیت بی شایه را کمایی کرده اند. بعد از آن روز به ما افغان ها اعتماد بیشتر نصیب گردید که ما افغانها خود قادر به طرح سالم پروژه ها شده ایم. این کسانی که در مقابل منافع مردم شکست فاحش خوردند و به گفته خودشان بی حیثیت شدند در جستجوی فرصت های دیگری بودند تا باز ریاست شهرسازی و مسکن را دچار مشکلات بسازند.

۱۰ - تطبیق ماستر پلان شهر کندهار حفظ ساحه سبز شهر کندهار:

فیض محمد وزیر داخله از جناح پرچم، ۲۵ نمره زمین را در شهر کندهار به اساس یک نقشه سابقه بیست سال قبل که توسط محمد داؤد خان نائب الحکومه آنوقت کندهار امضاء شده بود به یک عده باشندگان شهر کندهار امر توزیع را داده بود. روزی سه نفر از اهالی کندهار به دفتر من آمدند و طی عریضه پی اجازه ساختمان را برای ۲۵ نمره زمین تقاضا نمودند. کروکی نمرات به نقشه شهری قابل تطبیق موجوده راجع گردید و در نتیجه واضح شد که نمرات اکنون در ساحه سبز شهر کندهار واقع بوده و هر نوع ساختمان در این ساحه ممنوع می باشد. این مطلب را سه نفر عارض کندهاری قبول نکرده و شکایت کردند که در صورتیکه وزیر داخله امر داده است چرا ریاست شهرسازی و مسکن اجازه نمی دهد. ما برای این عارضین توضیح دادیم که وزیر داخله به اساس یک نقشه سابقه که اکنون مدار اعتبار نیست نمرات را امر توزیع داده است. عارضین گفتند آن نقشه به امضاء رهبر است و چطور شما جرئت می کنید که امر وزیر داخله و امضای رهبر را قبول نداشته باشید. من به عارضین جهت قناعت شان گفتم که موضوع را دوباره از وزیر داخله پرسیده و در صورت لزوم از رهبر هدایت می گیریم و شما عارضین هفته آینده دوباره به دفتر من بیایید و یا به کندهار رفته و موضوع به اطلاع شاروال و والی کندهار رسانیده می شود. موضوع به وزیر فواید عامه و وزیر داخله توضیح گردید که آنها نظر دادند تا موضوع را به رهبر تشریح نموده و از خودشان طالب هدایت شوم.

من وعده ملاقات را با رئیس جمهور تقاضا نمودم و در روز موعود نقشه سابقه مزین به امضای رهبر داود خان و نقشه جدید شهر کندهار را به ارگ جمهوری با خود بردم. بعد از عرض احترام رئیس صاحب دولت پرسیدند که چه کاری آورده ای. من موضوع را توضیح دادم و رهبر از جایشان برخاستند و روی فرش دفترش نشستند و گفتند هر دو نقشه ها را روی اتاق هموار و باز کن. من فوراً این کار را اجرا نمودم و هر دو نقشه را با کمال دقت مطالعه و دیدن کردند و من نقشه سابقه را که امضای خودشان و نقشه کنونی را بدون امضای شان نشان دادم و عرض کردم که وزیر داخله نمرات را به اساس این نقشه سابقه که در آن امضای شما هست امر توزیع را داده است ولی نظر به نقشه کنونی نمرات متذکره در ساحه سبز واقع می باشد. من هدایت خواستم که توزیع نمرات را به اساس امضای شما و یا مطابق نقشه کنونی اجازه ساختمان بدهیم. رئیس صاحب جمهور با تبسم و مهربانی اظهار داشتند که آقای بشربار من بیست سال قبل در این نقشه امضاء نموده ام و امضای من امروز قابل اعتبار نیست زیرا شرایط شهر کندهار از آن وقت به اینطرف تغییر خورده و شما باید مطابق به شرایط امروزی و نقشه کنونی شهر کندهار اجراءات نمائید و فرمودند و چیزی دیگر گفتنی نداری من گفتم نی صاحب.

دوباره به چوکی دفترش نشستند و به من چنین هدایت دادند (وزیر فواید عامه مکتوب به والی کندهار بفرستد که در ساحه سبز کندهار اجازه ساختمان داده نشود و کوشش به عمل آید تا به عارضین در جای دیگر نمرات رهائشی تعین و توزیع گردد.)
من از تصمیم مدیرانه و عاقلانه که شان یک رئیس دولت است خیلی خوشنود شدم و در راه با خود گفتم که چرا فیض محمد وزیر داخله و دو وزیر دیگر از امضای بیست سال قبل رهبر ترس داشتند و حتی حاضر نشدند تا موضوع را برایش خودشان بگویند و هدایت بگیرند . جرئت اخلاقی و خدماتی یک ارزش انسانی و با مسئولیت.

خاطرات یک خدمتگار افغانستان ادامه دارد...